

Analyzing the Process of Economic Development of South Korea in the light of Adrian Leftwich's theory

Shahram Pirani*

Masoud Akhavan kazemi,** Shamsodin Sadeghi***

Abstract

The astonishing economic development of South Korea in the four decades, since the end of the Korean War, has surprised many observers and researchers around the world. In less than four decades, South Korea has grown from one of the poorest countries in the world to an industrially advanced country. South Korea's economic development is often referred to as the "Han River Miracle" and has given it the nickname "Asian Tiger". Today, it is the twelfth largest economy in the world and has the fourth largest foreign exchange reserves in the world. This study seeks to answer the question: What were the reasons for the rapid and miraculous economic development of South Korea in the post-World War II period? The hypothesis of this research is that the existence of a development-oriented government in South Korea has been the main reason for the development of this country in the mentioned period. In fact, South Korea's leapfrog development would not have been possible without a development-oriented and elite government determined to thrive and develop economically. Such states have characteristics such as having development-oriented elites, efficient and development-oriented bureaucracy, weak civil society, relative state independence, and strengthening state independence. The theoretical framework of the article is based on the theory of the developmental government of Adrian Leftwich and the method of descriptive-analytical research using library resources, articles, books and prestigious domestic and foreign journals.

Keywords: South Korea, Economic Development, Adrian Leftwich, Developmentalist Government, Elite.

Article Type: Research Article.

Citation: Pirani, Shahram, Akhavan kazemi, Masoud & Sadeghi, Shamsodin (2021). Analyzing the Process of Economic Development of South Korea in the light of Adrian Leftwich's theory, 4(2), 463-491.

* Ph.D Candidate of Political Science, Department of Political Sciences, Faculty of Educational and Social Science, Razi University, Kermanshah, Iran.

** Associate Professor of Political Science, Department of Political Sciences, Faculty of Educational and Social Science, Razi University, Kermanshah, Iran, (Corresponding Author: mak392@yahoo.com)

*** Associate Professor of political Science, Department of Political Sciences, Faculty of Educational and Social Science, Razi University, Kermanshah, Iran.



واکاوی روند توسعه اقتصادی کره جنوبی در پرتو نظریه آدریان لفت‌ویچ

شهرام پیرانی*

مسعود اخوان کاظمی،** شمس‌الدین صادقی***

چکیده

توسعه اقتصادی شگفت‌انگیز کشور کره جنوبی چهار دهه پس از پایان جنگ کره موجب حیرت و شگفتی بسیاری از ناظران و پژوهشگران در نقاط مختلف جهان شد. کم‌تر از چهار دهه کره جنوبی، یکی از فقیرترین کشورهای جهان، به کشوری پیشرفته صنعتی ارتقا یافت. پیشرفت اقتصادی کره جنوبی «معجزه رودخانه هان»^f نامیده می‌شود و صفت «ببر آسیایی» را به این کشور داده است. امروز این کشور، دوازدهمین اقتصاد برتر دنیا و چهارمین ذخایر ارزی خارجی در جهان را دارد. این پژوهش به این سؤال پاسخ می‌دهد که دلایل توسعه اقتصادی سریع و معجزه‌آسای کره جنوبی در دوران بعد از جنگ جهانی دوم چه بوده است؟ فرضیه این پژوهش این است که وجود دولتی توسعه‌گرا در کره جنوبی، علت اصلی توسعه این کشور در مقطع زمانی ذکر شده بوده است. در واقع، توسعه جهشی کره جنوبی، بدون وجود دولتی توسعه‌گرا و نخبگانی مصمم به پیشرفت و توسعه اقتصادی، امکان‌پذیر نبود. این‌گونه دولت‌ها از ویژگی‌هایی چون داشتن نخبگان توسعه‌گرا، بوروکراسی کارآمد و توسعه‌گرا، جامعه مدنی ضعیف، استقلال نسبی دولت و تحکیم استقلال دولت برخوردارند. چارچوب نظری مقاله براساس نظریه دولت توسعه‌گرای آدریان لفت‌ویچ و روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، کتب و مجلات معتبر داخلی و خارجی است.

کلیدواژه‌ها: کره جنوبی، توسعه اقتصادی، آدریان لفت‌ویچ، دولت توسعه‌گرا، نخبگان.

نوع مقاله: پژوهشی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

* کاندیدای دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

** دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)، mak392@yahoo.com

*** دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۰، دوره چهارم، شماره دوم، ۴۹۱-۴۶۳.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

کره جنوبی کشوری کوچک در شرق آسیا با اقتصادی پویا و قدرتمند و امروزه جزء برترین و پیشرفته‌ترین اقتصادهای دنیاست. این کشور با وجود جمعیتی زیاد (۵۲ میلیون نفر) در پهنه سرزمینی اندک (۱۰۰۳۶۳ کیلومتر مربع) و فقر منابع طبیعی و زیرزمینی، و ویرانی پس از جنگ داخلی، به تدریج توانست از دهه ۱۹۶۰ با یک برنامه‌ریزی صحیح و هدفمند، از کشوری فقیر و گرفتار در چرخه توسعه‌نیافتگی به اقتصادی پیشرفته صنعتی تبدیل شود. پدیده رشد اقتصادی بی‌سابقه کره جنوبی و تبدیل این کشور به کشوری توسعه‌یافته در مدت زمانی کم‌تر از چهار دهه، معجزه نام گرفته و مورد توجه افراد زیادی در اقصی نقاط گیتی شده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که دلایل توسعه اقتصادی سریع و معجزه‌آسای کره جنوبی در دوران بعد از جنگ جهانی دوم چه بوده است؟ این که علت اصلی توسعه اقتصادی کره جنوبی در مقطع زمانی ذکرشده، وجود دولت مقتدر توسعه‌گرا در آن کشور بوده فرضیه این پژوهش است. در واقع، ایفای نقش بسیار مهم رهبران کره جنوبی نکته مهمی در روند توسعه این کشور است. به عبارتی، سیاست‌ها و برنامه‌های طراحی و اجرا شده رهبران این کشور موجب توسعه اقتصادی خیره‌کننده آن شد. در این مقاله ابتدا، به چارچوب نظری براساس آرای دانشمند معروف، آدریان لفت‌ویچ، در باب دولت‌های توسعه‌گرا می‌پردازیم. در ادامه، ریشه‌ها و زمینه‌های تاریخی - اجتماعی شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در کره جنوبی مورد بررسی قرار می‌گیرد و مراحل توسعه اقتصادی کره جنوبی از دهه ۱۹۶۰ به بعد، تجزیه و تحلیل می‌شود. سپس به بررسی و تطبیق شاخص‌های مورد نظر آدریان لفت‌ویچ در کره جنوبی پرداخته و در انتها، نتیجه‌گیری پژوهش ارائه می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در باب ریشه‌ها و عوامل توسعه کره جنوبی کتب و مقالات فراوانی نگاشته شده است که در ادامه چند مورد از آنها را بررسی می‌کنیم.

۱. احمد نقیب‌زاده و محمدتقی دلفروز (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فرایند توسعه اقتصادی کره جنوبی در چارچوب الگوی دولت توسعه‌گرای غیردموکراتیک»، به بررسی فرایند توسعه اقتصادی کره جنوبی در مقطع زمانی بعد از جنگ جهانی دوم و تطبیق آن با متغیرهای مدنظر می‌پردازند. به‌رغم داشتن غنا و نکات آموزنده این مقاله، ولی در آن به ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در کره جنوبی، کم‌تر اشاره شده است (نقیب‌زاده و دلفروز، ۱۳۹۴).

۲. ماندانا تیشه‌یار (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی روند توسعه سیاسی کره جنوبی»، ضمن ارائه مختصری از تاریخ تحولات کره جنوبی، به بررسی روند توسعه سیاسی آن پرداخته است. با وجود این، در مقاله مذکور روند توسعه اقتصادی کره جنوبی، تجزیه و تحلیل نشده است (تیشه‌یار، ۱۳۹۵).

۳. حسین نقره‌کار شیرازی (۱۳۹۱)، در مقاله «بازبینی راهبرد توسعه در کره جنوبی: دولت در توسعه کره جنوبی نقش پررنگی داشته است»، به بررسی نقش دولت در توسعه اقتصادی کره جنوبی می‌پردازد. ولی در این مقاله به علل سیاسی توسعه کره جنوبی و ریشه‌های تاریخی - اجتماعی روند توسعه در کره جنوبی، اشاره‌ای نشده است. به‌علاوه، این مقاله چارچوب نظری منسجمی ندارد و بیشتر به ارائه آمارهای اقتصادی صرف اکتفا کرده است (نقره‌کار شیرازی، ۱۳۹۱).

۴. رویا شاکری و سوران مولایی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی سیاست‌های توسعه صنعتی ایران و کره جنوبی»، به مقایسه روند توسعه صنعتی ایران و کره جنوبی می‌پردازند. این مقاله نیز چارچوب نظری منسجمی ندارد و فقط به بررسی تطبیقی سیاست‌های توسعه صنعتی ایران و کره جنوبی از زاویه دید اقتصادی صرف می‌پردازد و علل و ریشه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بررسی نشده‌اند (شاکری و مولایی، ۱۳۹۷).

۵. بروس کامینگز (Bruce Cumings)، (۱۹۹۱)، در کتاب جنگ کره (Korean War)، ریشه‌های اصلی شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در کره را جنگ و تجربه استعمار ژاپن می‌داند. وی معتقد است در سال‌های استعمار، ژاپنی‌ها نوعی توسعه‌گرایی را در

کره ایجاد کردند، و کره‌ای‌ها در دوران استقلال با اقتباس نهادها و شیوه‌های ژاپنی‌ها در جاده توسعه گام گذاشتند. نگاه کامینگز به ریشه‌های توسعه کره جنوبی نگاهی تک‌بعدی است و متغیرهای مهم دیگر را در توسعه کره جنوبی در نظر نمی‌گیرد (Cumings, 1991).

۶. آتل کوهلی (Atul Kohli)، (۱۹۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «منشأ رشد اقتصادی سریع کجاست؟ میراث ژاپنی دولت توسعه‌گرای کره»، به نقش و تجربه استعمار ژاپن در شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در کره اشاره می‌کند. وی حتی منشأ شکل‌گیری حلقه کارگری، بوروکراسی، پلیس و ارتش را با دوران استعمار ژاپن مرتبط می‌داند. نگاه کوهلی نیز مانند کامینگز، نگاهی تک‌بعدی و ناتوان از درک سایر علل توسعه اقتصادی کره جنوبی است (Kohli, 1994).

در مجموع، هریک از نویسندگان فوق از زاویه‌ای خاص به روند توسعه کره جنوبی نگریسته‌اند و هیچ‌یک دیدگاهی جامع نسبت به این قضیه نداشته‌اند. پژوهش حاضر ضمن استفاده از دیدگاه‌ها و نظریه‌های آنان و سایر نظریه‌پردازان، درصدد است نگاهی جامع به روند توسعه کره جنوبی داشته باشد و تبیین کامل‌تری ارائه کند.

۳. چارچوب نظری

دولت توسعه‌گرا (Developmental State) از جمله واژه‌ها و مفاهیم جدید ادبیات توسعه به‌شمار می‌آید که عمدتاً از اواسط دهه ۱۹۸۰ و پس از آن مورد توجه نظری و عملی قرار گرفت. دولت توسعه‌گرا بیانگر رابطه معنادار دولت و توسعه است. این‌گونه دولت‌ها با هدف تغییر ریشه‌ای در اساس اقتصادی جامعه، توانایی کافی برای تضمین نرخ‌های بالای رشد اقتصادی و ارتقا سطح زندگی مردم را دارند. دولت‌های توسعه‌گرا ممکن است بر ایدئولوژی‌های گوناگونی استوار باشند و لزوماً مشروعیت دموکراتیک ندارند. امروزه توافق گسترده‌ای وجود دارد که در کشورهای توسعه‌نیافته، بدون برنامه‌ریزی اقتصادی، دستیابی به توسعه صنعتی و رشد سریع اقتصادی تحقق نخواهد

واکاوی روند توسعه اقتصادی ... (شهرام پیرانی، مسعود اخوان کاظمی و شمس‌الدین صادقی) ۴۶۷

یافت. مسئولیت برنامه‌ریزی نیز برعهده دولت است و دولت‌ها در کشورهای جهان سوم برای تأمین اهداف رشد، توسعه و رفاه جامعه خود، از برنامه‌ریزی به‌عنوان وسیله استفاده می‌کنند (جیروند، ۱۳۶۸: ۸۵).

دیدگاه‌های نظری درباره نقش دولت در کمک به روند توسعه جهان سوم در خلال چند دهه اخیر، فراز و فرودهایی را تجربه کرده است. در نگاهی کلی می‌توان گفت در سه دهه پس از جنگ جهانی دوم، ایده محوریت دولت در روند توسعه در کشورهای جنوب، کمابیش مورد توافق صاحب‌نظران در جناح‌های مختلف فکری قرار داشت. با آشکار شدن کاستی‌های طرح‌های نئولیبرالیستی در مقابله با مشکلات توسعه‌ای کشورهای جهان سوم، که از دهه ۱۹۸۰ مطرح شد، در شماری از محافل فکری و آکادمیک از دهه ۱۹۹۰، ایده بازگشت اهمیت و محوریت دولت در روند توسعه مورد توجه قرار گرفت. ادوارد میسون (*Edward J. Mason*) با تأکید بر فقدان شباهت میان توسعه و انقلاب‌های کلاسیک صنعتی، اصلی‌ترین نقش در رهبری برنامه‌های توسعه را از آن دولت می‌داند (عباس‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷).

به لحاظ تاریخی، تجربه دولت‌های توسعه‌گرا از سال ۱۸۷۰ میلادی با سه رویداد تاریخی، یعنی پیروزی پروس بر ناپلئون سوم و تحقق وحدت آلمان از سوی خاندان هوهن‌زولرن با مدیریت بیسمارک و نیز پایان عصر شوگان‌ها و آغاز عصر میجی در ژاپن شروع می‌شود. دو کشور آلمان عصر بیسمارک و ژاپن عصر میجی، به‌عنوان شاخص‌های الگوی توسعه در آن مقطع تاریخی، با اجرای فرایندی که برینگتون مور در مقابل الگوی انگلیسی - فرانسوی، آن را الگوی توسعه از بالا نامیده است (مور، ۱۳۷۳: ۸-۹)، با کنار زدن موانع توسعه و جهت‌گیری‌های انزواطلب، زیرساخت‌ها و زمینه‌های توسعه ملی را فراهم آوردند (چانگ، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۰).

با پایان جنگ جهانی دوم، منطقه جغرافیایی دولت‌های توسعه‌گرا به‌طور عمده به شرق آسیا منتقل شد. تجربه ژاپن و کشورهای شرق آسیا پس از جنگ جهانی دوم باعث شد تحقیقات در زمینه نحوه عملکرد آنها گسترش یابد و این امر عبارت «دولت

توسعه‌گرا» را ایجاد کرد و از دهه ۱۹۹۰، در حوزه نظری به آن توجهی ویژه صورت گرفت. از نظریه‌پردازان مطرح توسعه‌گرا می‌توان پیتر ایوانز، آدریان لفت‌ویچ، چالمرز جانسون، ریچارد اسکالر، کیت گریفین و تری مک کنلی و ... را نام برد که دو نفر اول سهم قابل‌ملاحظه‌ای در این زمینه دارند. آدریان لفت‌ویچ (*Adrian Leftwich*) بیشترین سهم را در باب نظریه‌پردازی درباره دولت‌های توسعه‌گرا داشته است. محور اصلی مباحث ویچ، رابطه سیاست و اقتصاد و همچنین دموکراسی و توسعه است. وی به جای شکل حکومت و نوع رژیم، بر نوع دولت و سیاست تمرکز می‌کند. به عقیده ویچ، هرگونه توسعه ناگزیر مسئله‌ای سیاسی است نه مدیریتی و اجرایی؛ زیرا آنچه در مراحل مختلف توسعه اهمیت دارد، چگونگی استفاده از منابع و روش‌های جدید توزیع و بحث و جدل‌های اجتناب‌ناپذیری است که محاسبات افراد و گروه‌ها در مورد بازنندگان و برندگان این روش‌ها به دنبال دارند. تعریف وی از سیاست چنین است: «کلیه فعالیت‌های کشمکش‌آمیز مبتنی بر همکاری و یا مذاکره که برای استفاده، تولید و توزیع منابع مادی و معنوی در سطوح محلی، ملی یا بین‌المللی، و در عرصه فردی یا عمومی به کار می‌روند. به عبارت دیگر، سیاست عبارت است از مجموعه‌ای از فرایندهای آگاهانه‌ای که انسان‌ها برای منظم کردن و یا رفع تفاوت‌های بین خود پدید می‌آورند. بر این اساس، سیاست دولت را شکل می‌دهد و دولت توسعه را. پس باید گفت توسعه مسئله‌ای طبیعتاً سیاسی می‌شود» (*Leftwich, 1996: 6*).

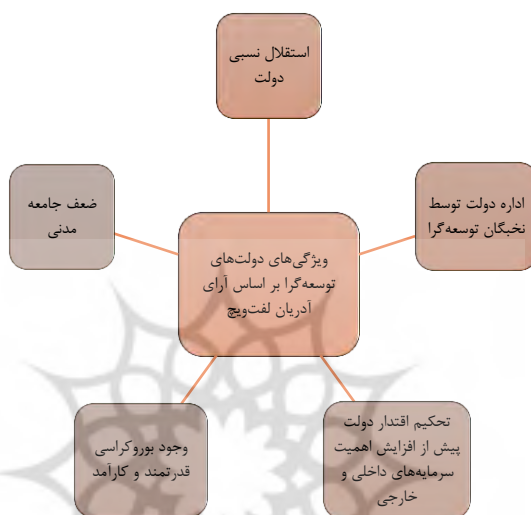
به اعتقاد وی در راستای نیل به توسعه، به جای شکل حکومت (دموکراتیک یا غیردموکراتیک) یا آرمان نهاد حاکمیت شایسته باید بر سیاست و ماهیت دولت تأکید کرد؛ اگرچه نقش حاکمیت شایسته - و نه لزوماً دموکراتیک - در فرایند توسعه انکارنشدنی است.

ویچ معتقد است پیشرفت برخی کشورها و عدم پیشرفت بعضی دیگر، بیش از نوع رژیم، به عواملی همچون ثبات داخلی، پذیرش در بازارهای اقتصادی - سیاسی بین‌المللی، داشتن روابط مثبت با اقتصادهای مسلط، خودمختاری نسبی دولت در

سیاست‌های دموکراتیک یا غیردموکراتیک، قوه مجریه کارآمد، کاهش فساد و رشوه‌خواری، درجه حداقلی از توافق میان گروه‌ها و مناطق درباره اهداف رشد و قوانین باز برای رسیدن به آن و درجه فرایند برابری منطقه‌ای و اجتماعی در زمینه توزیع هزینه‌ها و منافع مربوط می‌شود. این عوامل، همگی به جلوه درآمدن همان الگوی کشمکش، همکاری و مذاکره‌اند. به تعبیر دیگر، توسعه‌یافتگی در یک کشور بیش از آنکه به طراحی سیاست‌های رفاهی وابسته باشد، نیازمند جدی گرفتن نیروهای فعال و تقویت ائتلاف‌های سیاسی است (Leftwich, 2004: 15). خلاصه اینکه باید قبول کرد مسئله اصلی اولویت سیاسی و مرکزیت دولت در فرایند توسعه است که در همه کشورها بافت سیاسی، پویایی سیاسی و اهداف سیاسی ساختار دولت را شکل می‌دهند، اهداف توسعه‌ای آن را تعیین می‌کنند و نتایج آنها را مشخص می‌سازند. توسعه پایدار و کارآمد را هرگز نمی‌توان به اولویت‌های اداری یا ملاحظات مدیریتی محدود و آن را از سیاست جدا کرد (لفت‌ویچ، ۱۳۸۲: ۴۰۸-۳۹۶). لفت‌ویچ ردپای اولیه ایده دولت توسعه‌گرا را در آرای فردریک لیست (Ferdrich List)، اقتصاددان معروف، می‌بیند (لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۳). وی همچنین ریشه‌های اولیه دولت توسعه‌گرا را در نظریه‌های افرادی چون مارکس (Karl Heinrich Marx)، فرد ریگز (Fred W. Riggs) و ساموئل هانتینگتون (Samuel P. Huntington) جست‌وجو می‌کند (لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۴).

ویچ با بررسی آمارهای مختلف، راه توسعه کشورها را به چهار دسته تقسیم می‌کند: توسعه دموکراتیک، توسعه غیردموکراتیک، توسعه دموکراتیک توسعه‌نیافته و غیردموکراتیک توسعه‌نیافته (Leftwich, 1996: 282). لفت‌ویچ تأکید دارد دموکراسی پیش‌شرط توسعه نیست و رابطه‌ای معنادار و علت و معلولی بین آنها وجود ندارد. تجربه بسیاری از کشورها نیز این موضوع را ثابت می‌کند. در این‌گونه کشورها (نظیر مالزی و کره جنوبی) رشد آنها آغاز شده و به اوج رسیده است، درحالی‌که نظام سیاسی آنها مبتنی بر حکومت‌های خودکامه یا نسبتاً خودکامه بوده است (تیشه‌یار، ۱۳۹۵: ۱۰).
از نظر لفت‌ویچ، ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا، اعم از دموکراتیک و

غیردموکراتیک، عبارت است از: اداره دولت توسط نخبگان توسعه‌گرا، استقلال نسبی دولت، وجود بوروکراسی قدرتمند و کارآمد، ضعف جامعه مدنی و تحکیم اقتدار دولت پیش از افزایش اهمیت سرمایه‌های داخلی و خارجی (Leftwich, 1996: 285-297).



Source: Leftwich, 1996: 285-297.

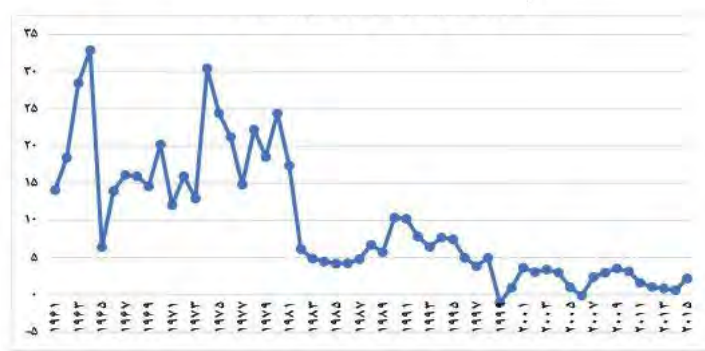
نمودار ۱. خصیصه‌های دولت‌های توسعه‌گرا در نظریه لفت‌ویچ



Source: <http://databank.Worldbank.org> (2018)

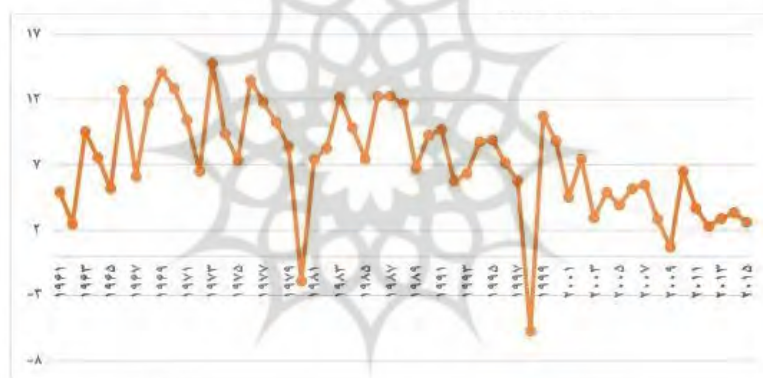
نمودار ۲. تولید ناخالص داخلی سرانه (به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰، دلار) کره جنوبی ۱۹۶۰-۲۰۱۵

واکوی روند توسعه اقتصادی ... (شهرام پیرانی، مسعود اخوان کاظمی و شمس‌الدین صادقی) ۴۷۱



Source: <http://databank.Worldbank.org> (2018)

نمودار ۳. نرخ تورم در کره جنوبی ۱۹۶۱-۲۰۱۵



Source: <http://databank.Worldbank.org> (2018).

نمودار ۴. نرخ رشد اقتصادی در کره جنوبی ۱۹۶۱-۲۰۱۵

۴. ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا در نظریه لفت‌ویچ

۴-۱. اداره دولت توسط نخبگان توسعه‌گرا (Developmental Elites)

نخستین و مهم‌ترین ویژگی دولت‌های توسعه‌گرا در سطح نگرشی، این است که همگی آنها را نخبگان توسعه‌گرا هدایت می‌کنند. در واقع، این نخبگان در راستای اهدافی چون تأمین امنیت ملی، پیشرفت اقتصادی را در کانون اهداف خود قرار می‌دهند و به لحاظ

شخصی نیز کم‌تر فاسدند، از این رو، در راستای دستیابی به اهداف خود به نهادسازی مناسب دست می‌زنند. در کل، چنین نخبگانی بسیار ملی‌گرایند و توجه زیادی به تهدیدات خارجی و داخلی نشان می‌دهند. بنابراین برای رساندن کشورهایشان به توسعه اقتصادی و مقابله با این تهدیدات، انگیزه بالایی دارند. همچنین، این دولت‌ها که برای مقابله با محیط بسیار بی‌ثبات داخلی و خارجی به اقتدارگرایی روی می‌آورند، در فقدان «مشروعیت نهادی» (مانند انتخابات واقعی) به «مشروعیت ابزاری» امید دارند که این امر از طریق ارائه «کالاهای با ارزش اجتماعی» به شهروندان با صنعتی شدن سریع حاصل می‌شود (لفت‌ویچ، ۱۳۸۲: ۳۹۸-۳۹۹).

۴-۲. استقلال نسبی دولت (Respective State Autonomy)

دومین ویژگی مشترک دولت‌های توسعه‌گرا، استقلال نسبی نخبگان و نهادهای دولتی تحت فرمان آنهاست. منظور از استقلال این است که دولت بتواند در برابر درخواست گروه‌های هم‌سود (طبقات یا گروه‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای) آزادی عمل نسبی داشته باشد و تحت تأثیر این درخواست‌ها قرار نگیرد. هانتینگتون یکی از معیارهای نهادمندی دولت را درجه استقلال سازمان سیاسی از نیروهای اجتماعی می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۷). به علاوه، از نظر وی هرچه استقلال نظام سیاسی بیشتر باشد، انسجام آن، که یکی دیگر از عناصر نهادمندی است، تقویت می‌شود. انسجام، اتحاد و انضباط نیز به نوبه خود موفقیت نظام در نیل به اهدافش را به دنبال دارد.

البته در نظریه دولت توسعه‌گرا، منظور از استقلال، جدایی از جامعه نیست. دولت توسعه‌گرا از یک سو با سرمایه‌داران ارتباط تنگاتنگ دارد و از سوی دیگر قادر به حفظ فاصله ظریفی با آنان است تا با حفظ استقلال نسبی، سیاست‌های توسعه‌ای خویش را به اجرا درآورد. دولت توسعه‌گرا بر دیگر نیروهای اجتماعی، نظیر کارگران و زمین‌داران نیز کنترل دارد و اجازه نمی‌دهد پوپولیسم نیروی کار سازمان‌یافته یا محافظه‌کاری و گرایش‌های ارتجاعی طبقه زمین‌دار، در روند توسعه خللی ایجاد کنند. استقلال نسبی

واکاوی روند توسعه اقتصادی ... (شهرام پیرانی، مسعود اخوان کاظمی و شمس‌الدین صادقی) ۴۷۳

دولت به این معناست که دولت بتواند از علائق و منافع بخش‌ها و گروه‌های مختلف در داخل کشور مستقل باشد و فارغ از این منافع، تمام ظرفیت و توان خود را صرفاً روی اهداف ملی متمرکز کند (Leftwich, 1996: 410).

۴-۳. بوروکراسی قدرتمند و کارآمد (Effective and Powerful Bureaucracy)

سومین ویژگی دولت‌های توسعه‌گرا وجود بوروکراسی بسیار قدرتمند، کارآمد و مستقل است که توسعه اقتصادی - اجتماعی را هدایت می‌کند. بوروکراسی توسعه‌گرا جزئی کلیدی در تعامل بین دولت و اقتصاد در این دولت‌هاست (Leftwich, 1996: 415).

وجه ممیز این نهادها از نهادهای مشابه در بسیاری از کشورهای غیرتوسعه‌یافته، در قدرت واقعی، اقتدار ملی و استقلال آنها در شکل‌دهی به نیروهای بنیادین سیاست‌های توسعه‌گرایانه است. بوروکراسی در این گونه دولت‌ها، به واسطه جایگاه ممتازش، از سیستم موازنه و کنترل قوه مقننه و مجریه جداست که در نتیجه آن بوروکراسی قدرت و اقتدار شگرفی دارد. نهادهای سیاستگذار اقتصادی این کشورها تا حد زیادی تجلی دیوان‌سالاری‌های مدرن و عقلانی وبری است که در جریان سیاستگذاری‌های توسعه‌ای، تحت تأثیر جریان‌های سیاسی قرار نمی‌گیرند و با استقلال از عرصه سیاست، از آفت‌های ضدتوسعه‌ای این عرصه کنار می‌مانند. همچنین در دیوان‌سالاری‌های مبتنی بر شایسته‌سالاری، ثبات شغلی تا حد زیادی وجود دارد و با هر تغییر دولتی، دستخوش تغییرات و عزل و نصب‌های گسترده نمی‌شود. در این دیوان‌سالاری‌ها، استخدام و ارتقای شغلی براساس شایستگی انجام می‌شود و ضابطه و قانونمندی، بر رابطه غلبه دارد (لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۲۵۸-۲۵۶).

۴-۴. جامعه مدنی ضعیف (Weak Civil Society)

ویژگی دیگر دولت‌های توسعه‌گرا، وجود جامعه مدنی ضعیف است. در این گونه دولت‌ها، دولتی قدرتمند و با اقتدار فراگیر، به کنترل جامعه مدنی اقدام می‌کند. جامعه

مدنی در این دولت‌ها، یا از ابتدا قدرت چندانی ندارد یا توسط دولت، تضعیف، درهم شکسته و کنترل شده است. به این ترتیب، دولت توسعه‌گرا مانند دولتی قوی، توانسته در این کشورها فارغ از فشارها، مطالبات و بی‌ثباتی‌های احتمالی ناشی از فعالیت‌های نهادهای جامعه مدنی، توسعه اقتصادی را پیش برد (لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۲۸۵).

۴-۵. تحکیم اقتدار دولت پیش از افزایش اهمیت سرمایه‌های داخلی و خارجی

پنجمین و آخرین مؤلفه برای پیدایی دولت توسعه‌گرا، تحکیم اقتدار و توان آن دولت قبل از اهمیت یافتن سرمایه‌های داخلی و خارجی است. به عبارت دیگر، دولت ابتدا باید قادر به تحکیم قدرت و استقلال خود باشد تا بتواند همزمان با افزایش نقش سرمایه‌گذاری، این وضعیت جدید را کنترل کند و آن را به سمت اهداف توسعه‌گرایانه سوق دهد (Leftwich, 1996: 287). اینگونه دولت‌ها قادر به جهت‌دهی به هدایت جریان سرمایه‌های داخلی و خارجی در راستای اهداف توسعه‌گرایانه خود هستند (Leftwich, 1995: 448).

پس همان‌گونه که ملاحظه می‌شود و قبلاً نیز اشاره شد، لفت‌ویچ به جای آنکه دموکراسی، شکل حکومت یا رشد اقتصادی را در مرکز تحلیل و تحقیق خود قرار دهد، به نوع سیاست و «دولت» توجه دارد.

۵. ریشه‌های شکل‌گیری دولت اقتدارگرای توسعه‌گرا در کره جنوبی

تا پیش از قرن بیستم، شبه‌جزیره کره اقتصادی سنتی داشت و گذران زندگی مردم اغلب بر پایه کشاورزی بود. این شبه‌جزیره در سال ۱۹۱۰ رسماً به ژاپن پیوست و مستعمره این کشور شد و تا سال ۱۹۴۵ تحت استعمار آن قرار داشت. در این دوران، به‌رغم سرمایه‌گذاری صنعتی گسترده توسط ژاپنی‌ها، بورژوازی صنعتی چشمگیری نبود و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی موجود، اغلب به ژاپنی‌ها تعلق داشتند (گون یانگ، ۱۳۸۶: ۸). در سال ۱۹۴۵، شبه‌جزیره کره توسط ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی از سلطه استعماری ژاپنی‌ها بیرون آمد. در آن زمان، این منطقه به دو دولت تقسیم شد؛

واکاوی روند توسعه اقتصادی ... (شهرام پیرانی، مسعود اخوان کاظمی و شمس‌الدین صادقی) ۴۷۵

نیمه جنوبی شبه‌جزیره را ایالات متحده آمریکا و نیمه شمالی شبه‌جزیره، در بالای مدار ۳۸ درجه شمالی، را اتحاد جماهیر شوروی اداره می‌کردند. در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ (۱۳۲۹ هـ. ش) کره شمالی به همسایه جنوبی خود هجوم برد و نخستین دوران جنگ سرد آغاز شد. چین و شوروی در پشتیبانی از کره شمالی و آمریکا و کشورهای غربی در حمایت از کره جنوبی وارد صحنه نبرد شدند. پس از ویرانی‌های بی‌شمار، سرانجام جنگ در ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۵۲ (۱۳۳۲ هـ. ش) به پایان رسید.

در خلال جنگ دو کره، بیش از یک میلیون نفر در نتیجه درگیری‌ها جان باختند. این وضع سبب شد درآمد سرانه در کره جنوبی حدود ۶۷ دلار در سال (بر پایه ارزش دلار در سال ۱۹۹۶) شد که از پایین‌ترین درآمدهای سرانه در سطح جهان بود (برنل و رندال، ۱۳۸۷: ۳۲۴). نرخ رشد اقتصادی این کشور در سال ۱۹۵۱ به منفی ۱/۱۵ درصد و در سال ۱۹۵۲ به منفی شش درصد رسید. در ژوئیه سال ۱۹۵۲ با خاتمه جنگ، این کشور بیش از ۱۱۷۱ میلیون دلار کمک از طریق سازمان ملل متحد و آمریکا دریافت کرد که رشد اقتصادی کشور را به ۵/۵ درصد رساند. با کاهش کمک‌های خارجی، به‌خصوص کمک‌های آمریکا، رشد اقتصادی در سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۵۸ به ۱/۸ درصد کاهش یافت و نیروی بیکار کشور به ۲۸۱ هزار نفر و وضعیت تراز پرداخت‌های کشور به ۳۶۷ میلیون دلار رسید (جوانبخت، جوانبخت و صالحی، ۱۳۹۶: ۷).

سرآغاز عصر دولت توسعه‌گرا در کره جنوبی، مصادف با شروع زمامداری پارک چونگ‌هی (*Park Chung Hee*) است. کره جنوبی از زمان استقلال در سال ۱۹۴۸، تحت حکمرانی سینگمان ری (*Syngman Rhee*) قرار داشت. در سال‌های حکمرانی ری، سرکوب گسترده مخالفان صورت گرفت و بسیاری از معارضان در این دوره به زندان افتادند (۱۹۴۸-۱۹۶۰). خیزش دانشجویان در سال ۱۹۶۰ به استعفای رئیس‌جمهور سینگمان ری در ۲۶ آوریل همان سال منجر شد. پس از استعفای وی، کشور چند ماه با بی‌ثباتی‌های سیاسی مواجه بود که سرانجام ژنرال پارک چونگ‌هی با کودتایی نظامی در سال ۱۹۶۱ حکومت را در دست گرفت. پارک تا دو سال و

پیش از انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور کشور، ریاست شورای موقت حاکمیت را برعهده داشت و سپس برای دو دوره دیگر نیز رئیس‌جمهور کره جنوبی شد. او تا هنگام ترورش در سال ۱۹۷۹، به سرکوب سیاسی گسترده و روش‌های اقتدارگرایانه به بهانه مبارزه با گسترش کمونیسم در این کشور ادامه داد. او سازمان مخوف اطلاعات و امنیت کره جنوبی (*Korean Central Intelligence Agency*) را سازمان‌دهی کرد و گسترش داد. در دوران زمامداری وی، مجلس شورای ملی منحل شد و مقامات نظامی بر سر پست‌های غیرنظامی نشستند. برخلاف رهبران پیشین، که همواره بر لزوم وحدت دو کره تأکید داشتند، شعار او در این دوران «نخست توسعه، سپس اتحاد» بود. البته منظور او تنها توسعه اقتصادی کشور بود (تیشه‌یار، ۱۳۹۵: ۱۰).

درزمینه سیاست خارجی، پارک به روابط نزدیکش با آمریکا ادامه داد و بیش از ۳۰۰/۰۰۰ نفر از نیروهای ارتش کره جنوبی را در حمایت از آمریکا به جنگ ویتنام اعزام کرد. در دوران ریاست جمهوری پارک، وی با توسل به قوانینی چون امنیت ملی، ضدیت با کمونیسم، امنیت اجتماعی و قانون اجتماعات، هرگونه مخالفت سیاسی را به‌شدت سرکوب کرد (لفت‌ویچ، ۱۳۸۲: ۱۹۸-۱۹۷).

برنامه‌های اقتصادی پارک، کره جنوبی را به یکی از کشورهای با نرخ رشد اقتصادی سریع در جهان تبدیل کرد. آنچه معجزه اقتصادی کره جنوبی (*South Korea Economic Development Miracle*) نامیده می‌شود، بیشتر مدیون برنامه‌های او بود. پارک در پی آن بود با الگو قرار دادن ژاپن، کره جنوبی را به یک جامعه سرمایه‌داری پویا در آسیا تبدیل کند. اگرچه این امر اتفاق افتاد، ولی این پیشرفت به قیمت دستمزد کم کارگران، ساعات کاری بالا و سرکوب مخالفان، حاصل شد. اداره دولت پارک برعهده حلقه کوچکی از نظامیان وفادار و هم‌عقیده بود که به‌صورت متمرکز تصمیم‌ها را اتخاذ می‌کردند. نوعی سیستم اطلاعات و سلسله‌مراتب ارشدیت نظامی بر تصمیم‌گیری‌ها حاکم بود که اختلافات را به حداقل می‌رساند. این دولت منسجم و با انضباط، که کوهلی آن را «دولت سرمایه‌داری منسجم» (*Coherent Capitalist State*) می‌نامد، از

واکاوی روند توسعه اقتصادی ... (شهرام پیرانی، مسعود اخوان کاظمی و شمس‌الدین صادقی) ۴۷۷

جهت مختلف برای توسعه اقتصادی مفید بود؛ زیرا رژیم را قادر می‌ساخت بدون توجه به پاسخ درخواست‌های گروه‌های مختلف جامعه، صرفاً بر اهداف توسعه اقتصادی متمرکز شود (Kohli, 1994: 88-89).

با این اقدامات، متوسط درآمد سرانه این کشور از ۱۰۳ دلار در اوایل دهه ۱۹۶۰ به ۴۲۵ دلار در سال ۱۹۹۲ رسید و نرخ رشد سالانه این کشور که در خلال سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۵۴ به‌طور متوسط ۲/۴ درصد بود، از ابتدای سال ۱۹۶۵ به ۱۰ درصد رسید. میزان صادرات این کشور از ۴۰/۹ میلیون دلار در سال ۱۹۶۳ به ۷۶ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ افزایش یافت. این کشور از سال ۱۹۹۴ به سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (Organization for Economic Co-operation and Development) ملحق شد و در حال حاضر دوازدهمین اقتصاد برتر دنیا و دارای چهارمین ذخایر ارزی خارجی در جهان تلقی می‌شود. کره جنوبی از پنج کشور برتر جهان در زمینه کشتی‌سازی، اتومبیل‌سازی، صنایع الکترونیک و فولاد در جهان است (Kim and Lim, 2007: 71).

۶. تحلیل سیاست‌های توسعه‌گرایانه کره جنوبی

در سال‌های اشغال کره توسط ژاپن (۱۹۱۰-۱۹۴۵)، سیاست‌های کلی کشور تابع سیاست استعماری و افزایش ظرفیت مواد غذایی بود. در آن دوران، فقط برخی صنایع کوچک تولیدی، از دهه ۱۹۲۰، در قسمت شمالی شبه‌جزیره کره راه‌اندازی شده بودند. بعد از تسلط آمریکا بر قسمت جنوبی شبه‌جزیره کره، این دولت اقداماتی در راستای تثبیت اوضاع اقتصادی کره جنوبی انجام داد. این کشور از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۰، درگیر بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ و رهایی از استعمار ژاپن بود و از اوایل دهه ۱۹۶۰ دوران بازسازی کشور و رشد اقتصادی آغاز شد (گون یانگ، ۱۳۸۶: ۱۶). در ادامه مراحل سه‌گانه توسعه‌گرایی در کره جنوبی، از ابتدای دهه ۶۰ میلادی به بعد، تشریح می‌شود.

۱-۶. سیاست‌های مرحله اول توسعه کره جنوبی (۱۹۶۲-۱۹۷۳)

رهبران کره جنوبی در سال ۱۹۶۲ با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی پس از پایان جنگ جهانی دوم و جنگ کره، درآمد سرانه ۸۷ دلار، فقر عمومی و نرخ بیکاری ۱۱/۲ درصد و با این تصور که صنایع بزرگ و زودبازده قادر به گسترش اشتغال و افزایش درآمد عمومی‌اند، ایجاد صنایع بزرگ و زودبازده و گسترش خدمات زیربنایی توسعه را به‌عنوان سیاست اصلی توسعه برگزیدند (شریف‌النسی، ۱۳۷۵: ۱۳). این دوران با به قدرت رسیدن ژنرال «پارک جونگ‌هی» مصادف بود. وی راهبرد توسعه برون‌گرا را در این دوران اولویت برنامه‌های خود قرار داد. هدف این راهبرد، تبدیل اقتصاد متکی به کمک‌های خارجی شکل گرفته از دهه ۱۹۵۰، به اقتصاد صنعتی با گرایش صادراتی بود. در این دوران، موضوع تقسیم فرصت‌های مالی و عدم تمرکز و انحصار به حاشیه رفت و بخش‌های مختلف اقتصادی کشور در قالب تفکر انحصاری در اختیار عده‌ای خاص قرار گرفت که این افراد و گروه‌ها همان چبول و یا گروه‌های بزرگ در کره جنوبی بودند. چبول‌ها، گروه‌های بزرگ صنعتی و تجاری است که با یک فرد یا خانواده او اداره می‌شوند. طبق برنامه توسعه اقتصادی کره جنوبی، در ابتدا مسئولیت افزایش رشد صادرات و توسعه صنعتی کشور برعهده چبول‌ها بود. در این مرحله، کلیه سیاست‌های اقتصادی با محوریت و حمایت از چبول‌ها طراحی شد و تمرکز همه حمایت‌ها بر این گروه بود. همچنین مقرر شد چبول‌ها، در ایجاد مؤسسات و شرکت‌های مختلف برای رشد صادرات آزادی عمل کامل داشته باشند. دولت پارک از اوایل دهه ۱۹۶۰ امتیازات ویژه‌ای برای آنها در نظر گرفت. آنها از امتیازاتی چون معافیت از پرداخت مالیات، از جمله مالیات بر درآمدها و مالیات شرکت‌ها، دسترسی آسان به اعتبارات بانکی، تخفیف‌های گمرکی، برنامه‌های مختلف یارانه‌ای، افزایش سقف ضمانت صادراتی و در اختیار گرفتن ارزهای دولتی برخوردار بودند (گون یانگ: ۱۳۸۶، ۵۵).

در این مرحله، دولت با یک سری برنامه‌های اقتصادی پنج‌ساله، بخش‌های معینی را با ارائه مشوق‌های صادراتی مالی - بودجه‌ای و موانع تعرفه‌ای - غیرتعرفه‌ای مختص

واکاوی روند توسعه اقتصادی ... (شهرام پیرانی، مسعود اخوان کاظمی و شمس‌الدین صادقی) ۴۷۹

واردات تغذیه کرد تا به بخش‌های صادراتی تبدیل شوند (Thomas and Wang, 1996: 18). اصلی‌ترین وظیفه سیاست‌گذاران کره‌ای در تقویت این‌گونه بخش‌ها، بزرگ کردن مقیاس آنها بود. دولت به بنگاه‌ها دستور می‌داد که مجتمع‌های تولیدی خود را با مقیاس بهینه بسازند. به‌علت کوچک بودن بازار داخلی، صادراتی بودن واحدهای تولیدی یک الزام بود. در مواردی که ظرفیت بنگاه‌ها کم‌تر از حداقل مقیاس بهینه بود، دولت با اعمال سیاست‌های مختلف آنها را به‌سوی ادغام سوق می‌داد. مهم‌ترین نمونه‌هایی از این اقدامات، تجدید ساختار شش صنعت بزرگ کره بود. ادغام دو تولیدکننده خودرو از سال ۱۹۶۵ و پنج تولیدکننده پی‌وی‌سی در سال ۱۹۶۹، و موارد متعدد دیگر، نمونه‌هایی از این‌گونه اقدامات بودند (چانگ، ۱۳۹۲: ۲۸).

علاوه بر این، دولت اهداف صادراتی محصولات عمده و بازارها را سالانه تعریف می‌کرد. «سازمان توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری کره جنوبی» (Korea Trade-*Investment Promotion Agency*) در سال ۱۹۶۲ ایجاد شد تا با ایجاد یک شبکه گسترده خارجی برای توسعه صادرات به خدمت گرفته شود. جلسات هفتگی توسعه صادرات با شرکت رئیس‌جمهور، وزرا و نمایندگان شرکت‌های عمده تجاری و صادراتی، این امکان را فراهم آورد که مشکلات سد راه صادرات به‌سرعت حل و فصل شوند (طلایی، ۱۳۷۹: ۳).

سیاست توسعه صادرات کره جنوبی طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اغلب به‌عنوان نمونه‌ای موفق از هدایت دولتی در توسعه صادرات تلقی می‌شود. این سیاست، بر استفاده از برتری نسبی در برخی صنایع که کشور توان فنی آن را داشت یا می‌توانست کمک کند، تأکید نداشت. به‌علت کمبود منابع طبیعی و سرمایه‌های لازم، برتری نسبی این کشور در استفاده از نیروی انسانی ارزان و فراوان بود و نتیجه چنین می‌شد که این کشور به طرح‌های کارگر بر همچون تولید کلاه‌گیس، اشیاء چوبی، وسایل الکترونیک و کفش حق تقدم ویژه‌ای دهد. پارک چونگ - هی به‌منظور اجرای اهداف اقتصادی خود، سعی کرد تا مشکلات سیاست خارجی کره را برای تسریع در روند سرمایه‌گذاری رفع کند. به‌طور مثال، بعد از برقراری

روابط سیاسی کره جنوبی و ژاپن در سال ۱۹۶۵، سیل کمک‌های ژاپن به کره در قالب وام‌های متعدد سرازیر شد. در واقع کمک ۵۰۰ میلیون دلاری ژاپن به کره در این مقطع، از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی کره جنوبی است (گون یانگ، ۱۳۸۶: ۵۱). البته از نقش کمک‌های آمریکا در برهه زمانی یاد شده نیز نباید غافل بود. عمده کمک‌های آمریکا عبارت بود از: تکنولوژی، ماشین‌آلات، مواد اولیه و کالاهای ساخته شده (حسنی، ۱۳۸۷: ۳).

۲-۶. سیاست‌های مرحله دوم توسعه کره جنوبی (۱۹۷۲-۱۹۷۹)

در اوایل دهه ۱۹۷۰، صنعتی شدن کره جنوبی به‌عنوان هدف اصلی دولت قلمداد شد و توسعه صنایع سنگین و شیمیایی در دستور کار قرار گرفت. توسعه صنایع سنگین و شیمیایی کره در قالب برنامه‌های سوم و چهارم، در ژوئن ۱۹۷۲ آغاز شد و دولت کره فعالیت در شش صنعت فولاد، فلزات غیر آهنی، خودرو، کشتی، الکترونیک، صنایع شیمیایی را هدف‌گذاری کرد. از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱ حدود ۹/۶ میلیارد دلار در این صنایع سرمایه‌گذاری شد. این سیاست‌گذاری متأثر از سیاست موفق توسعه صنایع سنگین و شیمیایی ژاپن بود و به رشد چبول‌ها (مجموع‌های بزرگ تجاری - صنعتی) انجامید که از حمایت دولت برخوردار بودند و پیشرفت‌های بعدی را به دنبال آوردند (طلایی، ۱۳۷۹: ۱۳-۱۱).

رویکرد انتخاب شده توسعه صنایع سنگین و پتروشیمی، مبتنی بر فلسفه‌ای آینده‌نگرانه (*Futurism*)، برای رسیدن به جایگاه رقابتی و مطمئن در اقتصاد جهانی بود. به‌منظور حمایت از صنایع شیمیایی، دولت کره جنوبی «انستیتو تحقیقات تکنولوژی» (*Korea Institute of Science and Technology*) را در سال ۱۹۷۶ با هدف تحقیق و تولید مواد شیمیایی با ارزش‌افزوده بالا، که به رقابت‌پذیری صنایع کمک کند، تأسیس کرد. به‌علت کمبود منابع، به‌خصوص سرمایه خارجی و تکنولوژی، دولت کره با یک سری الزامات، به جذب منابع توسط شرکت‌های خارجی اقدام کرد. دولت کره به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه فعالیت در بخش‌هایی را می‌داد که مزیت نسبی دارند (حسنی، ۱۳۸۷: ۹). همچنین در راستای تحقق اهداف یاد شده، دولت کره اصلاحات مالیاتی را نیز

واکاوی روند توسعه اقتصادی ... (شهرام پیرانی، مسعود اخوان کاظمی و شمس‌الدین صادقی) ۴۸۱

انجام داد. در این دوره دولت هم‌زمان توجه به سیاست تعدیل توزیع درآمد و ثروت و به‌عبارت‌دیگر، حمایت از اقشار و گروه‌های کم‌درآمد جامعه را دنبال می‌کرد (حسنی، ۱۳۸۷: ۴). البته نتایج حاصل از این دوره قابل تأمل است. از یک‌سو، محصولاتی با چشم‌اندازهای جدید ساخته و از سوی دیگر، بدهی‌های کلان شرکت‌ها و تسهیلات غیرجاری، انباشته شدند.

۳-۶. مرحله سوم توسعه کره جنوبی (سال ۱۹۷۹ به بعد)

مرحله سوم توسعه کره جنوبی، موسوم به مرحله آزادسازی، با کوچک‌سازی نقش هدف‌گذار سیاستی در عملیات وام‌های سیاست‌گذاری شده، افزایش نسبت آزادسازی تجاری و تأکید بر پیشبرد سرمایه‌گذاری در بخش فناوری همراه بود؛ با این حال، در این دوره دولت همچنان حضوری هوشمندانه و سیاستی در اقتصاد داشته است.

کره جنوبی در سال ۱۹۷۹ با مشکلات اقتصادی ناشی از حوادث مختلف مواجه شد؛ این حوادث توسعه صنایع سنگین و شیمیایی را با مشکلاتی روبه‌رو و این کشور نرخ تورم ۴۰ درصد را تجربه کرد. در واقع، رشد صادرات کره از سال ۱۹۷۷ کند شده بود و مقدار مطلق آن در سال ۱۹۷۹ کاهش یافت. حساب جاری ارزی آن با کسری ۷/۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی روبه‌رو شد و رشد اقتصادی آن هم منفی شده بود (طلایی، ۱۳۷۹: ۱۳). این حوادث و مشکلات وضعیت غامض و مبهم اقتصادی را به‌وجود آورد.

با توجه به این وضعیت، در آوریل سال ۱۹۷۹، دولت کره جنوبی برنامه تثبیت اقتصادی جامع را اعلام کرد. محتوای اصلی برنامه تثبیت جامع شامل موارد ذیل می‌شد:

- کوچک‌سازی نقش هدف‌گذار سیاستی در عملیات وام‌های سیاست‌گذاری شده و نرخ‌های بهره ترجیحی،

- افزایش نسبت آزادسازی تجاری از ۶۹ به ۹۵ درصد در سال ۱۹۸۸؛

- تأکید بر پیشبرد سرمایه‌گذاری در بخش فناوری از ۰/۹ درصد تولید ناخالص

ملی در سال ۱۹۸۰ به ۲ درصد در سال ۱۹۸۶ و ۲/۵ درصد در سال ۱۹۹۰.

تقویت قانون پیشبرد توسعه فناوری که ابتدا در سال ۱۹۷۳ تصویب شد، در سال ۱۹۸۱ صورت گرفت تا انگیزه‌های مالیاتی جدید برای سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه فراهم شود (نقره‌کار شیرازی، ۱۳۹۱: ۵). در واقع با توجه به مشکلات مطرح شده، کره جنوبی در آغاز دهه ۱۹۸۰ در برنامه‌های خود تجدیدنظر کرد و دوره‌ای در یک مسیر متفاوت از دوره صنایع سنگین و شیمیایی، به سمت صنایع مبتنی بر سازوکار بازار پیش از منابع خاص یا مداخلات دولت حرکت کرد. در این دوره، بانک‌ها از حالت ملی خارج شدند و کنترل‌های دولتی به سطح غیررسمی کاهش یافت. کالاهای کره‌ای به منظور افزایش کیفیت، در معرض بازار قرار گرفتند و موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای به شدت کاهش یافتند و دولت اقدامات ضدانحصاری جدیدی را برای از بین بردن اختلالات ایجاد شده از سوی چپول‌ها به خدمت گرفت (طلایی، ۱۳۷۹: ۱۵). دولت همچنین با ادغام تولیدکنندگان اصلی تجهیزات الکترونیکی سنگین، بخش ماشین‌آلات را در سال ۱۹۸۰ بازسازی و به آنها جایگاهی انحصاری اعطا کرد. دولت کره جنوبی در این دوره با مشخص کردن نقش هریک از شرکت‌های ماشین‌سازی، حضور آنها در اقتصاد را مدیریت کرد و با سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه، از قبیل حمایت‌های مقطعی و پله‌ای، احراز کیفیت استاندارد و ... سبب پیشرفت آنها شد (World Bank, 1987: 48).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، به‌رغم تأکید بر آزادسازی تجاری، دولت کره جنوبی همچنان حضوری هوشمندانه در اقتصاد دارد. پس از سال بحرانی ۱۹۸۰، کره به بهبودی سریع و ثبات سطح عمومی قیمت‌ها دست یافت. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۱، معادل ۱۶/۲ درصد و در سال ۱۹۸۲، ۱۲ درصد بود. در این دوره تغییرات عمده‌ای در سیاست تجاری کره صورت گرفت. برای اولین بار بر مزایای آزادسازی واردات، سازوکار بازار و رقابت تأکید شد. به دنبال اجرای این سیاست‌ها، تراز بازرگانی کره در سال ۱۹۸۶ مازاد شد. در این دوره تعدیل اقتصادی بسیار ارزشمند، با تغییر در سیاست‌های مبتنی بر راهکار مداخله مستقیم به راهکار هدایت غیرمستقیم، صورت گرفت (محب، ۱۳۹۳: ۷).

۷. تطبیق متغیرهای دولت توسعه‌گرای آدریان لفت‌ویچ در کره جنوبی

۷-۱. نخبگان توسعه‌گرا

همان‌گونه که پیش‌تر عنوان شد، آدریان لفت‌ویچ خصیصه اصلی دولت‌های توسعه‌گرا را، اداره آنها توسط نخبگان توسعه‌گرا می‌داند. در کشور کره جنوبی، منشأ نخبگان توسعه‌گرا، کودتای نظامی سال ۱۹۶۱ و به قدرت رسیدن پارک چونگ - هی است. پارک بعد از به قدرت رسیدن، کابینه‌اش را متشکل از افراد تکنوکرات کرد. نخبگان توسعه‌گرا در کره جنوبی متشکل از شبکه پیچیده‌ای از ائتلاف بین سیاستمداران، بوروکرات‌ها و نخبگان تجاری - صنعتی بود. کابینه پارک را افرادی کاردان و دلسوز تشکیل می‌داد که بسیار ملی‌گرا بودند و انگیزه اصلی آنها توسعه اقتصادی کره جنوبی بود. جانشین او، «چون دوهوان» (*Chun Doo-hwan*)، نیز تعهد قوی خود را به تداوم توسعه اقتصادی نشان داد. کابینه وی نیز از افراد متخصص و متعهد تشکیل شده بود که انگیزه اصلی آنها توسعه اقتصادی بود. در مجموع، حاکمیت نظامی اقتدارگرایانه و درعین‌حال توسعه‌گرایانه پارک چونگ - هی (۱۹۷۹-۱۹۶۱) و چون دوهوان (۱۹۸۰-۱۹۸۷)، بیش از ربع قرن، عامل مهمی در تبدیل این کشور به کشوری توسعه‌یافته صنعتی تلقی می‌شود (لفت‌ویچ، ۱۳۸۲: ۲۰۱-۲۰۰).

۷-۳. استقلال نسبی دولت

دومین خصیصه دولت‌های توسعه‌گرا در نظریه لفت‌ویچ، استقلال نسبی دولت است. اجزای کلیدی مسیر توسعه کره جنوبی، ریشه در تجربه گذشته استعمار توسط ژاپن داشته است. دولت استعماری ژاپن، رویکرد توسعه‌گرایانه میجی را در کره جنوبی برای خود برگزید و شالوده یک بوروکراسی کارآمد و توسعه‌گرا را در ساختار اقتصاد این کشور بنیان گذاشت (*Gilson and Mil Haupt, 2011: 209*). استقلال نسبی دولت در کره جنوبی با نظارت عالی‌ترین شاخه‌های قوه مجریه بر سیاست‌های توسعه‌ای صورت گرفت و آنها، آن‌گونه که در کشورهای دموکراتیک می‌بینیم، به پاسخگویی در مورد سیاست‌های خود

ملزم نبودند. علاوه بر این، دولت پارک به واسطه کمک‌ها و وام‌های خارجی دارای درجه‌ای از استقلال مالی بود (Leftwich, 1995: 410). در این شیوه، دولت استقلالی نسبی از منافع گروه‌های تجاری، سیاسی، اقتصادی، طبقه کارگر، زمین‌داران و سرمایه‌داران داشت. به واسطه سرکوب شدید طبقه کارگر در دوران سینگمان ری و پارک چونگ - هی، فعالیت اتحادیه‌های کارگری مستقل تا حد زیادی محدود شده بود (Seung-Ho and Dopnell, 1999: 271). همچنین به دلیل اصلاحات ارضی، سال ۱۹۴۵، طبقه زمین‌دار نیز فاقد قدرتی تأثیرگذار بر سیاست‌های دولت بود. در رابطه با طبقه سرمایه‌دار نیز می‌توان گفت که دولت پارک در ابتدا به بازداشت و ارباب صاحبان صنایع بزرگ و مصادره اموال آنها اقدام کرد (اوانز، ۱۳۸۰: ۱۶)؛ ولی بعدها با چپول‌های کره ارتباط گسترده‌ای به وجود آورد؛ ولی این ارتباط از موضع بالا بود؛ به این معنا که دولت با استفاده از اهرم‌های مختلف، دستورات خود را به آنها دیکته می‌کرد و آنها ملزم به اجرای این دستورات بودند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲۰۰). همان‌گونه که ملاحظه شد، دولت اقتدارگرای کره جنوبی به واسطه عوامل گوناگون، از طبقات و گروه‌های مختلف مستقل بود و جدا از منافع آنها، در راستای پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور گام برمی‌داشت.

۷-۴. بوروکراسی توسعه‌گرا

ویژگی سوم و مهم بعدی دولت‌های توسعه‌گرا در نظریه لفت‌ویچ، بوروکراسی توسعه‌گراست. در واقع بوروکراسی توسعه‌گرا جزئی کلیدی در تعامل بین دولت و اقتصاد در دولت‌های توسعه‌گراست (Leftwich, 1995: 413). بوروکراسی کشور کره جنوبی، یک بوروکراسی قدرتمند و توسعه‌گرا بود که با بهره‌مندی از تکنوکرات‌های شایسته، عملکرد اقتصادی قابل قبولی داشت (Horikane, 2005: 374). ژاپنی‌ها در دوران استعمار، نهادهای بوروکراتیک قدرتمندی را در کره به وجود آوردند که سینگمان ری پس از استقلال کشور آنها را حفظ کرد. پارک برای جلوگیری از پراکندگی نهادهای سیاستگذار در حوزه اقتصادی، نهادی به نام «هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی» (Economic Policy and the

Economic Planning Board) تشکیل داد که نهادی محوری در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بود. با تشکیل این نهاد قدرتمند، دخالت سایر نهادها در امور برنامه‌ریزی اقتصادی تضعیف و در نتیجه کارایی و استقلال این نهاد در پیشبرد اهداف توسعه‌گرایانه زیاد شد (Chibber, 1999: 314-318). بوروکراسی عصر پارک، یک بوروکراسی اقتصادمحور، تحصیل‌کرده و کاملاً حرفه‌ای بود که طراحی آن تا حد زیادی، از الگوی بوروکراسی توسعه‌گرای ژاپنی الهام گرفته بود. درعین حال، پارک و همکارانش بوروکراسی را مجبور به اتخاذ سیاست‌های توسعه‌گرایانه می‌کردند (نقیب‌زاده و دلفروز، ۱۳۹۴: ۱۰۲۷). مجموع این عوامل یک بوروکراسی کارآمد و توسعه‌گرا در کره جنوبی را به وجود آورد که به پیشبرد روند توسعه صنعتی در این کشور کمک فراوانی کرد.

۷-۵. جامعه مدنی ضعیف

ویژگی دیگر دولت‌های توسعه‌گرا این است که دولتی قدرتمند و با اقتدار فراگیر، به کنترل جامعه مدنی اقدام می‌کند. در این‌گونه دولت‌ها، هرگونه مقاومت در مقابل اقتدار دولتی به شدت سرکوب می‌شود. پارک چونگ - هی بعد از به قدرت رسیدن، در سال ۱۹۶۱، تمامی سازمان‌ها و احزاب سیاسی موجود و اتحادیه‌های کارگری را منحل کرد؛ در قوانین مربوط به کار تجدیدنظر کرد و تنها به سازمان‌های دارای مجوز رسمی دولتی اجازه فعالیت داد (NAM, 2017: 18). حکومت پارک همچنین انجمن‌های ملی را منحل کرد؛ گروه‌های مخالف را با اقداماتی از قبیل دستگیری و تهدید از میان برد و نظامیان را در رأس بوروکراسی دولتی قرارداد (Chang, 2009: 48).

اینگونه اقدامات به تحکیم قدرت رژیم منجر شد. سپس این رژیم شروع به اثرگذاری عمیق بر ساختار اقتصادی کرد. در این دوره با توسل به قوانینی چون قانون امنیت ملی، قانون امنیت اجتماعی، قانون ضد کمونیستی و ... هرگونه فعالیت جامعه مدنی سرکوب شد. درعین حال، دولت به خوبی به سازمان‌دهی، کنترل و حمایت سازمان‌های حامی خود می‌پرداخت (لفت‌ویچ، ۱۳۸۲: ۱۹۸). در دوره "چون

دوهوان" نیز کنترل جامعه مدنی ادامه یافت و حتی شدت آن بیشتر از دوره پارک شد. این گونه اقدامات به تحکیم قدرت دولت منجر شد. با این اقدامات، دولت جدا از فشارهای گروه‌های مختلف جامعه و با بیرون نگه داشتن مردم از قلمرو سیاسی، توانست برنامه‌های توسعه اقتصادی خویش را به پیش برد و به موفقیت‌های اقتصادی چشمگیری دست یابد (نقیب‌زاده و دلفروز، ۱۳۹۴: ۱۰۲۸).

۶-۷. تحکیم اقتدار دولت پیش از افزایش اهمیت سرمایه‌های داخلی و خارجی

مشخصه دیگر دولت‌های توسعه‌گرا، تحکیم اقتدار و توان دولت، قبل از اهمیت یافتن سرمایه‌های داخلی و خارجی است. دولت توسعه‌گرای کره جنوبی توانست جریان کمک‌های خارجی را در راستای به‌دست آوردن استقلال خود و مدیریت اقتصاد ملی و دستیابی به اهداف توسعه‌گرایانه خویش، هدایت کند. دولت همچنین در سال ۱۹۶۱ به ملی کردن بانک‌ها اقدام کرد که این کار دولت را قادر می‌ساخت تا جریان سرمایه‌ها و پس‌اندازها را در راستای اهداف خود هدایت کند. همچنین دولت به حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در شرکت‌های خصوصی اقدام و برای آنها معافیت‌هایی صادر کرد. صنایع فولاد، شیمیایی، ماشین‌سازی، کشتی‌سازی و الکترونیک حمایت‌ها و مشوق‌های مالی فراوانی را از دولت دریافت کردند. این اقدامات باعث شد جریان توسعه اقتصادی کره جنوبی در یک مسیر صحیح پیش رود.

۸. نتیجه‌گیری

کره جنوبی به‌عنوان کشوری مستقل در سال ۱۹۴۸ در جهان پدیدار شد. در ۱۵ سال اولیه پیدایش، این کشور یکی از فقیرترین کشورهای جهان بود. از دهه ۱۹۶۰، که برنامه‌های توسعه‌گرایانه در کره جنوبی کلید خورد، این کشور از سطح فقیرترین کشورهای جهان، به کشوری نمونه و الگو در میان کشورهای تازه صنعتی شده تبدیل شد.

در این پژوهش با استفاده از نظریه دولت توسعه‌گرای آدریان لفت‌ویچ به بررسی روند توسعه اقتصادی کره جنوبی در مقطع زمانی پس از جنگ جهانی دوم پرداخته شد. تجربه کره جنوبی و بسیاری دیگر از کشورهای شرق آسیا در نیل به توسعه اقتصادی، بیانگر نقش و اهمیت دولت در فرایند توسعه اقتصادی است. در واقع، توسعه سریع و معجزه‌آسای کره جنوبی و دیگر کشورهای این ناحیه، بدون وجود دولتی توسعه‌گرا و مصمم به پیشرفت و توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نبود. این‌گونه دولت‌ها ویژگی‌هایی چون داشتن نخبگان توسعه‌گرا، بوروکراسی کارآمد و توسعه‌گرا، جامعه مدنی ضعیف، استقلال نسبی دولت و تحکیم استقلال دولت پیش از اهمیت یافتن سرمایه‌های داخلی و خارجی را دارند. در کره جنوبی وجود دولتی با خصیصه‌های توسعه‌گرایانه، باعث شد این کشور از اقتصادی توسعه‌نیافته، در اوایل دهه ۱۹۶۰، به یک اقتصاد پیشرفته صنعتی، در دهه ۱۹۹۰، جهش یابد. نقش عوامل تاریخی - اجتماعی در شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در کره جنوبی، موضوعی است که کم‌تر به آن پرداخته شده و امید است پژوهشگران در آینده به امر تحقیق و پژوهش در این مقوله بپردازند و مسئولان و برنامه‌ریزان امر توسعه اقتصادی کشور، با بهره‌گیری از تجارب کشور کره جنوبی و سایر کشورهای موفق در امر توسعه اقتصادی، با یک برنامه‌ریزی صحیح و کارآمد و با بهره‌گیری از زمینه‌های بالقوه موجود در این سرزمین، باعث قرار گرفتن ایران نیز در مسیر توسعه اقتصادی شوند تا به کشوری پیشرفته و الگو در این زمینه تبدیل شود.

منابع

- اوانز، پیتر (۱۳۸۰). *توسعه یا چپاول*، ترجمه: عباس زندباف و عباس مخبر، تهران، انتشارات طرح نو.
- باقری، محمد (۱۳۷۶). *کره جنوبی*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- برنل، پیتر و ویکی رندال (۱۳۸۷). *مسائل جهان سوم*، ترجمه: احمد ساعی و سعید میرترابی، تهران، قومس.
- تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۹۵). «بررسی روند توسعه سیاسی در کره جنوبی»، فصلنامه *دولت پژوهی*، سال

جوانبخت، عزت، هنرمند جوانبخت و حسین آوند صالحی (۱۳۹۶). «مقایسه توسعه اقتصادی ایران قبل از انقلاب، بعد از انقلاب و کره جنوبی»، هفتمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تبریز، سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی.

جیروند، عبدالله (۱۳۶۸). توسعه اقتصادی، مجموعه عقاید، چاپ دوم، تهران، انتشارات مولوی.

چانگ، هاجون (۱۳۸۸). سرنگون کردن نردبان: استراتژی توسعه از منظر تاریخی، دایره دولت توسعه‌گرا، ناشر: ناصر بخت، جواد ترجمه: آرش اسلامی و میثم قاسم‌نژاد، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه شریف.

حسینی، محمد (۱۳۸۷). «دخالت دولت در اقتصاد و صنعتی شدن: بررسی تجربه کره جنوبی»، مجله بررسی‌های بازرگانی، ش ۳۰.

سامی، احمد (۱۳۷۷). مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم، تهران، نشر سمت.

شاکری، رویا و مولایی، سوران (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی سیاست‌های توسعه صنعتی ایران و کره جنوبی»، مجله اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۳ و ۴.

شریف‌النسیبی، مرتضی (۱۳۷۵). چرخه توسعه: راهنمای رشد شتابان کشورهای جنوب شرق آسیا، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

طلایی، محسن (۱۳۷۹). کره جنوبی: سازه‌های توسعه و بحران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

عباس‌زاده، حسن (۱۳۸۴). «مدیریت دولتی نوین و توسعه پایدار»، نشریه تدبیر، ش ۱۶۳.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). عصر اطلاعات، ترجمه: احمد علیقلیان و افشین خاکباز، ج ۳، تهران، طرح نو.

گون یانگ، لی (۱۳۸۶). رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی، ترجمه و تلخیص: مرتضی سلطان‌پور ابیانه، چاپ نخست، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

لفت‌ویچ، آدریان (۱۳۸۵). «به سوی مدلی از دولت توسعه خواه: توجهی دوباره به سیاست»، ترجمه: سیداحمد موثقی، فرهنگ و اندیشه، سال ۵، ش ۱۹.

لفت‌ویچ، آدریان (۱۳۸۲). دموکراسی و توسعه، ترجمه: احمد علیقلیخان و افشین خاکباز، چاپ اول، تهران، نشر طرح نو.

محب، نرجس (۱۳۹۳). «اقتصاد کره جنوبی پس از بحران‌های مالی سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۸»، فصلنامه روند، سال ۲۱، شماره‌های ۶۵ و ۶۶.

مدنی، امیرباقر (۱۳۶۷). استراتژی‌های توسعه اقتصادی: مقایسه روش‌های توسعه ایران با کره جنوبی، تهران، انتشارات آذر.

واکاوی روند توسعه اقتصادی ... (شهرام پیرانی، مسعود اخوان کاظمی و شمس‌الدین صادقی) ۴۸۹

مور، برینگتون (۱۳۷۳). *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*، ترجمه: حسین بشیریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

نامی، محمدحسن (۱۳۸۶). *جغرافیای کشور کره جنوبی*، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

نقره‌کار شیرازی، حسین (۱۳۹۱). «بازبینی راهبرد توسعه در کره جنوبی: دولت در توسعه کره جنوبی نقش پررنگی داشته است»، *مجله نامه اتاق بازرگانی*، ش ۵۳۸.

نقیب‌زاده، احمد و محمد تقی دلفروز (۱۳۹۴). «بررسی فرایند توسعه اقتصادی کره جنوبی در چارچوب الگوی دولت توسعه‌گرای غیردموکراتیک»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۵، ش ۴.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.

Abbaszadeh, Hassan (1384). "New Government Management and Sustainable Development", *Tadbir Magazine*, No. 163, (In Persian).

Bagheri, Mohammad (1376). *South Korea, Tehran, Office of Political and International Studies*, (In Persian).

Burnell, Peter and Wiki Randall (2008). *Third World Issues, Translated by Ahmad Saei and Saeed Mirtorabi, Tehran, Qoms*, (In Persian).

Cange, P.Y. (2008). *Unintended Consequences of Repression.*" *Alliant Forces*, 87(2).

Castells, Manuel (2006). *The Age of Information (Volume 3)*, translated by Ahmad Aliqian and Afshin Khakiar, Tehran: New Design, (In Persian).

Chang, Hajun (2009). *Overthrowing the Ladder: Development Strategy from a Historical Perspective, The Circle of the Developmentalist Government, Publisher: Gums, Translated by Arash Eslami and Meysam Ghasemnejad, Sharif University Center for Technology Studies*, (In Persian).

Chibber, Vivek (1999). "Building a Developmental State: The Korean Case Reconsidered", *Politics and Society*, Vol: 28, No .3.

Cumings, Bruce (1991). "The Korean crisis and the End of the "Late" Development", *New Left Review* Vol. 231.

Evans, Peter (1380). *Development or Plunder, Translated by Abbas Zandbaf and Abbas Mokhber, Tehran, New Plan Publications*, (In Persian).

Gibson, Chalmers (1998). "Economic crisis in East Asia: The clash of Capitalism", *Cambridge Journal of Economics*, vol. 22(6)

Gilson, RJB Millhaupt, CJ (2011). *Economicaly Benevolent Dictators: Lessons for Developing Democracies, The Americans Journal of Comparative Law*, 59(1): 22 237-238.

Gun Young, Li (1386). *Economic growth and development in South Korea, translation and summary: Morteza Soltanpour Abyaneh, first edition, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company*, (In Persian).

Hahn, Bae.Ho(1975)" *The Authority Structure of Korean Politics*" pp.289-319. In Edwerd

- Reynolds wright(Ed). *Korean Politics in Transition*, Washington Press.
- Hassani, Mohammad (2008). *Government Involvement in the Economy and Industrialization: A Study of the South Korean Experience*, *Journal of Business Studies*, No. 30: pp. 43-20, (In Persian).
- Horikane,y1(2005). "The Political Economy of Heavy and Chemical Industry (H,I) Push in Sout Korea in the 1970s. *Modern Asian Studies*, 39 (2), 3655-397
<http://data.worldbank.org/data-catalog/GDP-ranking-table>
[http://databank. Worldbank.org\(2018\).](http://databank.Worldbank.org(2018).)" South Korea Economical Indexes".
<http://www.worldatlas.com/articles/exports-by-country-20-largest-exporting-countries.html>.
- Huntington, Samuel (1375). *Political order in societies undergoing change*, translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Alam Publishing, (In Persian).
- Javanbakht, Ezzat, Javanbakht, Honarmand and Hossein Avand Salehi (1396). "Comparison of Iran's Economic Development before the Revolution, after the Revolution and South Korea", 7th National Conference on Management, Economics and Accounting, Tabriz, East Azerbaijan Industrial Management Organization, (In Persian).
- Jirvand, Abdullah (1989). *Economic Development, Collection of Beliefs, Second Edition*, Tehran, Molavi Publications.
- Johanson, C. (1982). *Miji and Japanese Miracle: The Growth of Industrial Policy: 1925-1975-* Stanford University Press.
- Kim, Sunhyuk and Wonhyuk Lim (2007). "How to Deal with Smith Korea" ,*The Washington Quarterly* 3 vol. 30(2)
- Kohli,Atul (1994). " Where do High – Growth Political Economics Come From? The Japanese Linkage of Korea's Developmental ,vol 22,No.3.pp 1269-1293.
- Leftwich, Adrian (1385). *Towards a Model of a Developmental Government: A New Look at Politics*, translated by Seyyed Ahmad Movassaghi, *Culture and Thought, Fifth Year*, No. 19, (In Persian).
- Leftwich, Adrian (1995). "Bringing Politics Back in: Toward a Model of Developmental State", *Journal of Developmental Studies*, 31(1).
- Leftwich, Adrian (1996). *Democracy and Development, Theory and Politics*, (Cambridge. Polity Press).
- Leftwich, Adrian (2003). *Democracy and Development*, translated by Ahmad Aligolikhan and Afshin Khakbaz, first edition, Tehran: New Plan Publishing, (In Persian).
- Leftwich, Adrian (2004). *What is Politics, The Activity and its Study*, (Cambridge. Polity Press), ch1.
- Madani, Amir Baqer (1367). *Economic Development Strategies: Comparing Iran's Development Methods with South Korea*, Tehran: Azar Publications, (In Persian).
- Moheb, Narjes (2014). *South Korean Economy after the Financial Crisis of 1997 and 2008*, *Trend Quarterly*, 21st Year, Nos. 65 and 66, pp. 242-222, (In Persian).
- Moore, Brington (1373). *The Social Roots of Dictatorship and Democracy*, translated by Hossein Bashirieh, Tehran: University Publishing Center, (In Persian).
- NAM, H. (2017). *Progressives And Labor Under Park Chang Hee*", *A forgotten Alliance in 1960s South Korea*, *The Journal of Asian Studies*, 72(4), 873-892.
- Nami, Mohammad Hassan (1386). *Of South Korea*, Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces Publications, (In Persian).
- Naqibzadeh, Ahmad and Delfrooz, Mohammad Taghi (1394). *A Study of the Economic Development Process of South Korea in the Framework of the Model of a Democratic Developmentist Government*, *Quarterly Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law*

واکاوی روند توسعه اقتصادی ... (شهرام پیرانی، مسعود اخوان کاظمی و شمس‌الدین صادقی) ۴۹۱

and Political Science, Volume 45, Number 4, pp. 1015-1032, (In Persian).

Sami, Ahmad (1377). *Third World Economic and Political Issues*, Tehran: Samat Publishing, (In Persian).

Seung-Ho, kown and Michael O., Danlle (1999). *Repression and Struggle, The habil and Independent Trade Unions in South Korea*, *The Journal of Industrial Relations*, Vol. 41, No. 2.

Sharif Al-Nasbi, Morteza (1375). *Development Cycle: A Guide to the Rapid Growth of Southeast Asian Countries*, Tehran: Rasa Cultural Services Institute, (In Persian).

Noghreh kare Shirazi, Hossein (2012). *Review of the Development Strategy in South Korea: The Government Has Played a Significant Role in South Korea*, *Journal of the Chamber of Commerce*, No. 538, Vol. 84, No. 72.

Talaei, Mohsen (1379). *South Korea: Development Structures and Crisis*, Tehran: Office of Political and International Studies, (In Persian).

ThomasV and Wang, Y(1996). *Distortions, Interventions and Productivity growth: is East Asia different? Economic development and cultural change*.44(2), pp: 265-288.

Tishehyar, Mandana (2016). "Study of the Process of Political Development in South Korea", *Quarterly Journal of Government Studies*, Second Year, No. 6, (In Persian).

Woo- Cumings, Mered: (ed) (1999). " *The Development state* Cornell University Press.

World Bank (1987). *Korea – Managing The Industrial Transition*. Vol. (1) , A World Bank Country Study, Washington D.C

